



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۷ مهر ۱۴۰۳
مصادف با: ۴ ربیع الثانی ۱۴۴۶
جلسه: ۱۳

موضوع کلی: امارات و ظنون
موضوع جزئی: شهرت - کلام محقق خوئی و بررسی آن
سال شانزدهم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

حق در مورد شهرت فتوایی همان است که محقق بروجردی و امام خمینی فرمودند یعنی شهرت فتوایی قدمایی حجت است اما شهرت فتوایی متأخرین معتبر نیست، ملاک حجیت هم بیان شد. در مقابل همانطور که قبلا هم گفتیم برخی مثل محقق خوئی به این مبنا و نظر اشکال دارند.

کلام محقق خوئی

ایشان هم به اصل مدعا و هم به ملاک آن اشکال کرده و لذا معتقد است شهرت فتوایی مطلقا حجت نیست، نه شهرت فتوایی قدما و نه شهرت فتوایی متأخرین، البته ایشان در اصل این نظر و دیدگاه، از برخی اعظام مثل شیخ انصاری و محقق خراسانی و دیگران تبعیت کرده اند.

محقق خوئی به طور کلی می فرماید شهرت فتوایی حجت نیست و در این جهت فرقی بین قدما و متأخرین وجود ندارد، به نظر ایشان شهرت فتوایی نه جابر ضعف سند است و نه اعراض مشهور موجب وهن و ضعف روایت می شود، چون: قدما درست است که به عصر معصوم نزدیک بودند و اصولی را از ائمه یا اصحاب نزدیک ائمه تلقی کردند اما این موجب کشف رأی معصوم یا حدس قطعی نسبت به رأی او نمی شود، به تعبیر دیگر بین فتوای مشهور و رأی معصوم ملازمه ای وجود ندارد، زیرا چه بسا در این امر اشتباه صورت بگیرد، به این دلیل که فتوای مشهور هر چند عین روایت است و این اخبار از حکم خدا می دهد، ولی ما در این طریق ممکن است گرفتار اشتباه شویم، و نتوانیم حدس قطعی بزنیم رأی معصوم را، ما الان مواجه هستیم با فتاوایی که منطبق بر الفاظ روایات است بدون استناد و سند، لذا چه بسا این فتوا مستند به روایتی معتبر بوده، ولی ما هیچ دسترسی نداریم برای کشف آن، اگر ما می توانستیم استناد را کشف کنیم چه بسا حدس قطعی ممکن بود در حالیکه چنین راهی وجود ندارد. شهرت فتوایی متأخرین نیز معلوم است که اعتباری ندارد.

اساس مدعای ایشان برگرفته از سخن محقق نایینی است که شهرت فتوایی از نظر اصول و قواعد اقتضای حجیت در آن هست ولی این منوط به این است که آن را احراز کنیم و ما راهی برای احراز آن نداریم. شهرت فتوایی قدما چون اصل استنادش معلوم و قطعی است، می تواند معتبر باشد، اما به شرط اینکه ما آن را احراز کنیم لکن راهی برای احراز آن وجود ندارد، شهرت فتوایی متأخرین هم با اینکه محرز است ولی اعتبار ندارد، برای اینکه استنادش نا مشخص است و ما باید استناد را کشف کنیم. این سخن نایینی در واقع شالوده فرمایش محقق خوئی را رقم زده لذا ایشان می گوید ما برای اینکه به یک روایتی اخذ کنیم، باید حتما سندش را

بررسی کنیم و معلوم شود که سند صحیح است، بر این اساس اگر سند روایت معتبر نباشد هر چند قدما بر طبق آن عمل کرده باشند این روایت برای ما معتبر نیست. اگر روایت صحیح السند نباشد ادله حجیت شامل آن نمی شود چه فقها به آن عمل کرده باشند و چه نکرده باشند. لذا ایشان عمل مشهور را جابر ضعف سند نمی داند یعنی شهرت عملی را معتبر نمی داند. به علاوه اعراض مشهور را هم مضر به حجیت و اعتبار روایت نمی داند. پس شهرت فتوایی چه بین القدماء و چه بین المتأخرین از نظر ایشان اعتبار ندارد. فقط در یک صورت ایشان شهرت فتوایی قدما را حجت می داند و آن هم صورتی است که برای انسان اطمینان و وثوق حاصل شود، لذا در واقع باید گفت ملاک حجیت نزد ایشان همان حصول اطمینان است. و بدیهی است که اطمینان از هر طریقی حاصل شود اعتبار دارد می خواهد از طریق شهرت فتوایی قدمایی باشد یا شهرت فتوایی متأخرین، یا اصلاً از غیر طریق شهرت، ما قبلاً هم گفتیم اصلاً موضوع بحث ما شهرت فتوایی است با قطع نظر از جهت حصول اطمینان، زیرا اگر پای اطمینان و وثوق به میان بیاید اصلاً صورت مسئله متفاوت می شود. به هر حال این مطلبی است که محقق خویی فرمودند.^۱

بررسی کلام محقق خویی

با توجه به آنچه ما گفتیم ضعف این مطلب آشکار است، ما قبلاً گفتیم که شهرت فتوایی متأخرین که اعتبار ندارد، شهرت فتوایی قدمایی هم اگر موجب وثوق و اطمینان شود به نظر ما حجت است همانطور که محقق خویی فرمودند ولی این از محل بحث ما خارج است زیرا اگر پای اطمینان به میان بیاید دیگر بحث بر مدار دیگری استوار می شود. اما اینکه فرمودند شهرت فتوایی قدما قابل احراز نیست که تعبیر محقق نایینی بود یا اینکه فرمودند چنین ملازمه عادی وجود ندارد، این قابل قبول نیست. انصاف این است که وقتی ما می بینیم اکثر فقها که نزدیک به عصر معصومین بودند یک فتوایی دادند بدون اینکه مستندی برای آن ذکر کنند، لازمه این شهرت در فتوا آن هم از ناحیه آن اشخاص این است که این حکم مورد نظر معصوم هم باشد. شیخ صدوق و شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی تا زمانی که مواجه با آن اشکال نشده بود کتاب فتوایی داشت و اینها فتاواشان عین الفاظ روایات بود منتهی دیگر استناد و سند را بیان نکردند. وقتی می بینیم که اغلب پیروان یک مکتب و رئیس همه یک مطلبی را می گویند حدس قطعی زده می شود که رئیس هم نظرش همین است. وقتی اینها فتوا دادند نه اینکه روایت را نقل کرده باشند، این به طور طبیعی برای انسان حدس قطعی نسبت به موافقت معصوم و رأی معصوم ایجاد می کند؛ حال چطور ایشان می فرماید که چنین حدس قطعی وجود ندارد یا می فرماید چنین ملازمه عادی قابل اثبات نیست، این بعید است و نمی توان از این موضوع به سادگی گذشت، این شهرت قدمایی که ما الان اینجا می گوئیم یک چیزی در حد اجماع است، یعنی چطور در مورد اجماع آن هم اجماع قدما ما چنین حدس قطعی را می زنیم، شهرت نیز نزدیک به اجماع است. حال فتوا از ناحیه چنین جمعی، از ناحیه اغلب فقها در دوره ای که نزدیک به عصر معصومین بودند و هنوز پای احتمال تقلید از شیخ طوسی نبوده، پای اجتهاد و استنباط در میان نبوده، اینکه بروند به سراغ قواعد و عقل و یا استظهار خودشان از آیات بروند تا یک حکمی را استظهار کنند هیچکدام از اینها نبوده، بلکه از خود معصومین اخذ شده، لذا چطور نتوان رأی معصوم را عادتاً کشف کرد.

^۱ مصباح الاصول، ج ۲، ص ۱۴۲؛ الهدایه فی حاشیة الکفایه، ج ۱، ص ۱۵؛ دراسات فی علم الاصول، ج ۳، ص ۱۴۷

بنابراین در این مسئله همانطور که اشاره کردم حق با امام خمینی و محقق بروجردی است. بنابراین شهرت عملی معتبر است و در آن بحثی نیست و مقبوله بر آن دلالت می کند، هرچند محقق خوبی شهرت عملی را نیز رد کرده است و می گوید شهرت جابر ضعف سند نیست، اما به نظر ما شهرت فتوایی قدمایی نیز به نظر ما معتبر است، بله شهرت فتوایی متأخرین حجیت ندارد.

سوال:

استاد: نه اینکه کاشف است؛ ما قول معصوم را حدس می زنیم، ... بله، چرا نباشد، این حدس قطعی است نه حرف احتمال، یعنی این عادات ملازمه دارد با نظر معصوم. ما در بیان سیره عقلا هم گفتیم، ... وقتی ما می بینیم نزدیکان و خواص همه یک مطلبی را دارند می گویند شما حدس قطعی نمی زنید که نظر رئیس همین است؟

سوال:

استاد: مبنای ما در باب حجیت اجماع حدس قطعی بود، اجماع که حس نیست، نقل روایت اخبار حسی است اما در باب اجماع گفتیم همه می گویند ملاک اعتبار اجماع کشف رأی معصوم است، اختلاف در طرق کشف است، آن طرقی که آقایان گفتند مثل لطف و تقریر و ... مبتلا به اشکالاتی است ولی آن مبنایی که تعداد زیادی از متأخرین قبول کردند همین حدس قطعی است، حدس قطعی یعنی همین، که ما وقتی می بینیم همه نزدیکان معصوم یک مطلبی را می گویند بدون اینکه ما احتمال توافق و تبانی بر یک امر دیگری بدهیم انسان یقین پیدا می کند که نظر امام نیز همین است ...

سوال:

استاد: فرقی این است که آنجا بحث اجماع یا اتفاق علماء خودش موضوعیت دارد یعنی وقتی می بینیم علماء اتفاق می کنند بر این امر، علمای آن دوره، آنهایی که نزدیک به عصر ائمه بودند همه یک مطلب را می گویند، می گوئیم ملازمه عادی دارد با رأی معصوم.

سوال:

استاد: لازم و ملزوم هستند... نه آن لازمه عادی است بحث لفظ نیست، دلالت التزامی در دایره دلالت الفاظ است، ملازمه عادی است، یعنی وقتی می بینیم اینها همه این حرف را می زنند، عادات پی می بریم به رأی معصوم.

سوال:

استاد: اصلا کاری به آن ندارد. ... اینکه می گوئیم اگر چیزی مفید ظن باشد ما دلیل خاص بر اعتبارش داشته باشیم این می شود ظن خاص، یعنی می شود حجت، خب ... شهرت اینچنین است، شهرت مفید یک ظنی هست و شکی در این نیست، شهید اول فرموده مطلق شهرت مفید ظن قوی به حکم است، ولی ظن بما هو ظن که اعتباری ندارد، می خواهیم ببینیم دلیل بر شهرت فتوایی داریم یا خیر؟ شهرت متأخرین را که می گذاریم کنار، شهرت فتوایی قدما چه؟ آیا شهرت فتوایی قدما معتبر است، ما دلیلی بر اعتبارش داریم؟ ملاحظه فرمودید که ما گفتیم مقبوله عمر بن حنظله بر آن دلالت می کند، مگر شما دلیل نمی خواهید؟ ... خیر، ما گفتیم هر دو را در بر می گیرد؛ ما عرض کردیم «فان المجمع علیه لا ريب فيه» چون در مقام تعلیل وارد شده است قطعاً شهرت عملی و شهرت فتوایی، هر دو را شامل می شود.

سوال:

استاد: خیر؛ این را چند بار توضیح دادیم و گفتیم المجمع علیه ای المشهور علیه، منتهی المشهور علیه از چه جهت؟ من حیث الفتوی این را هم توضیح دادیم که چرا ما المجمع علیه در تعلیل را حمل بر فتوا کردیم و این را هم گفتیم که المجمع علیه من حیث الفتوی هم شهرت فتوایی را می گیرد و هم شهرت عملی را.

سوال:

استاد: شهرت فتوایی، به معنای عام، شهرت عملی را هم می گیرد، این اعم از این است که مستندش معلوم باشد یا نباشد. ... بله مورد روایت شهرت عملی است، ولی قطعاً شهرت روایی نیست. شما می گوید این تعلیل شامل شهرت روایی هم می شود؟ من این را رد کردم و دلیلش را نیز بیان کردم زیرا شهرت روایی بما هو شهرت روایی با تقیه سازگار است، اگر با تقیه سازگار باشد دیگر لاریب فیه غلط است، نمی تواند بگوید المشهور فی الروایه به تنهایی لاریب فیه، ممکن است یک روایتی تقیتاً صادر شده باشد و مشهور هم باشد.

سوال:

استاد: ما گفتیم، لاریب فیه یعنی چه؟ یعنی هیچ شبهه ای در آن نیست؟ ما جواب دادیم فرمایش محقق نایینی را. بله یکی از حرف های محقق نایینی این بود که لاریب فیه اضافی است نه حقیقی که ما آن را جواب دادیم.... ما گفتیم بله اگر شهرت روایی بود ما نمی توانستیم بگوییم لاریب فیه حقیقی است ولی اگر شهرت عملی و شهرت فتوایی به معنایی که ما می گوئیم این لاریب فیه، بله، قرینه اش ان الامور ثلاثه بین المرشده و بین العی

سوال:

استاد: شما فکر می کنید موارد شهرت فتوایی اضافه می شود؟ به قول محقق بروجردی در جایی گفتند نود و در جایی گفتند چهارصد مورد شهرت فتوایی داریم.

سوال:

استاد: نه اینکه برود دنبال شهرت فتوایی. اگر از لمعه یادتان باشد، گفتند مقابل در باز نماز خواندن مکروه است یا یک انسانی مقابل انسان باشد نماز بخواند مکروه است، شهید اول در متن لمعه فرموده که این در حالی است که ما هیچ روایتی اینجا نداریم، هیچ نصی نداریم، این آقایان برای چه گفتند این مکروه است؟ وقتی می بینیم که قدما می گویند نماز خواندن به این نحو مکروه است، چه کسانی گفتند؟ اینها هیچ روایتی را نقل نکردند و یا اگر بوده برای ما نگفتند، ...

سوال:

استاد: شما حرف محقق خوبی و نایینی را می زنید، آنها هم می گویند که شما برای ما روایت بیاورید... ما شک در حجیت نداریم، شما دارید، نه اینکه اطمینان داشته باشیم، وقتی بحث ملازمه عادی پیش می آید دیگر برای من ملاک نیست ... می گوید اگر اغلب افراد نزدیک به یک رئیس یک حرفی را بزنند عادتاً ملازمه دارد با موافقت او ولو برای من اطمینان حاصل نشود، فرق این است پس ملاک اطمینان نیست.

والحمد لله رب العالمین»